

بررسی سیر تنزیلی آیات تحدی

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۹/۱۰

عبدالکریم بهجت پور *

زهرا بهجت پور **

چکیده

اعجاز پشتوانه دفاعی پیامبران در برابر تشکیکات احتمالی است. قوام معجزه به تحدی و هموردطلبی است. قرآن معجزه پیغمبر اسلام ﷺ است و تحدی به قرآن به طور صریح در قرآن وارد شده است. قرآن مجموعه کلام الهی مرکب از ۱۱۴ سوره است که هموردطلبی های آن نیز به شکل های گوناگون آمده است. گاه اهل تردید را به آوردن مانند قرآن و گاه ده سوره و در پاره ای موارد یک سوره فراخوانده است. مشهور در توجیه راز فراوانی و گوناگونی تحدی بر این باورند که تحدی از کل قرآن به ده سوره و از ده سوره به یک سوره بوده است. با عنایت به سیر نزول سوره های قرآن، حکمت گفته شده برای تحدی، اگر به خدا نسبت داده شود، اثبات شدنی نیست؛ اما می توان میان نوع شبهه و جهت ابهامی که موجب تحدی شده، نسبت برقرار کرد.

واژگان کلیدی: معجزه، تحدی، اعجاز قرآن، حکمت تحدی، پیامبر اکرم ﷺ.

* دانشیار گروه مطالعات قرآن و حدیث پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث قم.

معجزه، ضرورتی دفاعی

پیامبران الهی حاملان پیام‌های پروردگار متعال به مردم‌اند. طبیعت پیام‌های الهی با نیازهای فطری و دریافت‌های عقلی چنان هماهنگ است که به نشانه‌های افزون بر خود نیاز ندارند؛ اما هستند کسانی که به دلیل غفلت سنگین، دل‌بستگی‌های ویرانگر، شبه‌های علمی یا انگیزه‌های نادرست روحی، هماهنگی دعوت پیامبران با فطرت و دریافت‌های عقلی را درک نمی‌کنند و برای پذیرش دعوت، به نشانه‌های بیشتر برای اثبات خدایی بودن دعوت پیامبران نیاز دارند و اغلب در موضع مخالفت با آن قرار می‌گیرند. اعجاز، پدیده‌ای دفاعی در برابر اهل ریب و تردید و تشکیک در رسالت انبیاست. هرگاه انبیا مورد تردید قرار می‌گرفتند و درباره الهی بودن دعوتشان تشکیک می‌شد، کاری خدایی می‌کردند تا نشانه‌ای بر الهی بودن دعوتشان باشد. به گفته آیت‌الله معرفت، دعوت انبیا، دعوت راستین بوده است «دعوت راستین ویژه خداوند است» (رعد: ۱۴)؛ از این رو دعوت پیامبران، مشکلی با علما و اندیشوران آگاه و زیرک نداشته است؛ بلکه تنها با نادانان بدخوی دچار مشکل بوده است. «کسانی که از دانش بهره‌مندند، می‌دانند آنچه از سوی پروردگارت برای تو فرود آمد، حق است و به راه آن شکست‌ناپذیر ستوده راهنمایی می‌کند» (سبا: ۶)؛ از این رو بحث از اعجاز قرآن - چون دیگر معجزات - متوجه شکاکان بود و آنها را به سوی خود فرا می‌خواند «اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس سوره‌ای مانند آن بیاورید» (بقره: ۲۳) (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۱۶ - ۱۱۸).

البته نگاه مشهور متکلمان و گروهی از مفسران با این دیدگاه تفاوت دارد. به نظر آنان، معجزه شرط اثبات رسالت است و هر پیامبری برای اثبات صدق و راستی رسالتش باید معجزه اقامه کند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۰ / فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۵۶ / حسینی تهرانی، ۱۳۶۵، ص ۶۵۸ / بیهقی، ۱۴۰۵ق، مقدمه، ص ۱۲ / مؤدب، ۱۳۷۹، ص ۱۷). برای نمونه علامه طباطبایی نوشته‌اند: «اعجاز برای اثبات معارف الهی نیست؛ بلکه اعجاز هر پیامبری برای اثبات رسالت و تصدیق پیامبری اوست» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۲ - ۸۶).

اگر معجزه دلیل اثبات رسالت باشد، باید پرسید چرا خدای متعال اجازه نفرمود پیامبر اکرم ﷺ در آغاز رسالتش معجزه خود را آشکار کند؛ بلکه معجزه و تحدی به آن را تا سوره اسراء (پنجاهمین سوره در ترتیب نزول) به تأخیر انداخت؟!

مفهوم تحدی

واژه «تحدی» اصطلاحی کلامی است که به صراحت در قرآن نیامده؛ ولی از عبارتهای قرآنی همچون «ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا...» عنوان «تحدی» گرفته شده است. در لغت برای «تحدی» دو معنا گفته شده است. تحدی یا به معنای خواندن شتریان است هنگامی که پشت شتر آواز می‌خواند و یا به معنای پی دیگری رفتن است. چنان‌که گفته می‌شود فلانی با دیگری مسابقه گذاشت و برای غلبه با او به معارضه پرداخت (فراهیدی، [بی تا]، ج ۳، ص ۲۷۹ / جوهری، [بی تا]، ج ۶، ص ۲۳۱۰). ابن فارس در معجم مقاییس اللغة پس از آنکه یک ریشه برای واژه «تحدی» دانسته و حرکت دادن ابرها به سمتی را «حدی» شمرده، بیان می‌دارد مبارزه و مسابقه با دیگری در کاری، به همین یک معنا باز می‌گردد (ابن فارس، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۵). به‌رحال در معنای این واژه، دعوت کردن به مبارزه نهفته است.

۶۹
تیس

بزرگوار
سبزواری
محقق

تحدی در اصطلاح

پیش‌تر گفتیم، واژه تحدی از علم کلام سررشته دارد. طبرسی (۴۵۴ - ۵۳۲ق) در معنای تحدی می‌نگارد: «مقصود از تحدی به قرآن، این است که آن حضرت می‌فرمود: جبرئیل بر من نازل می‌شود و کلماتی را از سوی خداوند بر من قرائت می‌کند. اینک اگر شما می‌توانید مانند آن بیاورید» (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۱۹ - ۲۰).

محقق سبزواری (۱۰۱۷ - ۱۰۹۰ق) می‌نویسد: «مراد از تحدی قرآن، قرار دادن آن در معرض معارضه فصحا و بلغای عرب است...» (محقق سبزواری، ۱۳۸۳، ص ۴۷۲). این دیدگاه توضیح می‌دهد که مراد از تحدی در اصطلاح، هم‌آوردی و مبارزه طلبی با قرآن است. البته محقق سبزواری دیدگاه خود را در باب متعلق تحدی بیان کرده است.

همچنین در تشریح معنای اصطلاحی گفته شده: مدعی نبوت باید دیگران را به مقابله و مبارزه دعوت کند و با انجام امری فوق‌العاده و اثبات ناتوانی دیگران، ادعای خود را اثبات کند؛ مانند: تحدی پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم در مورد قرآن» (مؤدب، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

تحدی، شرط یا جزء ماهیت معجزه

علامه طباطبایی تحدی را جزو ماهیت تعریف اعجاز می‌شمرد:

معجزه یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنان‌که از لفظش پیداست، امر خارق‌العاده‌ای است که برای اثبات حق و مقارن با تحدی (دعوت به مقابله) تحقق پیدا می‌کند ... معجزه هرچه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد، بالاخره امری است خارق‌العاده و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آنها انس گرفته‌ایم و آنها را می‌شناسیم» (طباطبایی، ۱۱۵ - ۱۱۶).

شهید مطهری نیز تحدی را در تعریف ماهیت معجزه داخل دانسته است «معجزه آن کار و اثری است که از پیغمبری به عنوان تحدی - یعنی برای اثبات مدعای خودش - آورده بشود و نشانه‌ای باشد از اینکه یک قدرت ماورای بشری در ایجاد آن دخالت دارد و به‌طور کلی فوق مرز قدرت بشری است (مطهری، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۴۳۰).

آیت‌الله العظمی خویی تحدی را جزو مؤلفه‌های تعریف اعجاز ندانسته؛ اما شرط معجزه به شمار آورده است؛ وی معجزه را چنین تعریف می‌کند: «معجزه آن است که فردی که ادعای منصبی از مناصب الهی (مانند پیامبری) می‌کند، کاری را انجام بدهد که فراتر و برتر از قوانین طبیعت باشد. دیگران نیز از انجام آن عاجز و ناتوان باشند؛ ضمن آنکه آن کار، گواهی بر درستی ادعای او نیز باشد» (خویی، [بی‌تا]، ص ۳۳). سپس چهار شرط را برای معجزه بیان می‌کند که یکی از آنها تحدی و هماوردطلبی است (همان، ص ۱۰۳).

تحدی قرآن و ابعاد آن در قرآن

آیات صریح قرآن به اینکه خدای متعال مخالفان و تردیدکنندگان در الهی بودن قرآن را به

تحدی فرا خوانده، دلالت می‌کند. جالب است بدانیم نخستین بار، تحدی قرآن درباره از سوی خدا بودن تورات و قرآن مطرح شد: «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبَعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (قصص: ۴۹) (بگو: پس اگر راست می‌گویید، کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو هدایت‌کننده‌تر باشد تا پیرویش کنم). با این هم‌اوردطلبی، خدای متعال از کافرانی که به هیچ کتاب آسمانی از جمله تورات ایمان نداشتند و برای تضعیف قرآن می‌گفتند: چرا کتابی مانند تورات به محمد داده نشده، می‌خواهد کتابی از سوی خدا بیاورند که توان هدایتی آن، از دو کتاب تورات و قرآن بیشتر باشد. در این آیه، تعبیر «مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» تأکید بر الهی بودن هر دو کتاب قرآن و تورات است. «مِنْهُمَا» از تورات و قرآن است.

آیاتی نیز به تحدی اختصاصی به قرآن دعوت کرده‌اند. در این آیات که به ترتیب در سوره اسراء و سپس سوره یونس و پس از آن سوره هود و در ادامه، سوره طور و سرانجام سوره بقره نازل شده‌اند، خدای متعال با واژگانی که به‌طور صریح به هم‌اوردطلبی قرآن نظر دارند، بیان فرمود. مفاد آیات تحدی، آوردن چیزی همانند قرآن بود. در اینکه گستره همانندی تا کجاست، اختلاف وجود دارد. این بحث ریشه در آن دارد که ابعاد اعجاز قرآن گوناگون است. برخی درون‌متنی است و برخی بیرون از متن آن قرار دارد؛ از این‌رو در اینکه مثلاً بی‌سوادی پیامبر ﷺ و آوردن متنی توسط ایشان، بدون هیچ‌گونه اختلاف و تناقض است یا سبک بیانی قرآن و یا فصاحت و بلاغت فراتر از توان بشر یا جنبه‌های علمی و غیبی و تشریحی، نظرهای گوناگونی وجود دارد (ر.ک: سیوطی، ۱۳۲۰ق، ص ۱۱۷/ عرفان، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳ - ۱۸۸/ محمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۸ - ۳۹۲). علامه طباطبایی در این‌باره نگاشته‌اند: «از دعوت همه انسان‌ها و جنیان استفاده می‌شود که این تحدی و هم‌اوردطلبی بر پایه زبان و لفظ عربی بنا نشده است؛ بلکه به هر زبانی می‌توان به هم‌وردی با قرآن پرداخت؛ با توجه به مخاطب آیه که شامل جن و انس در همه زمان‌هاست» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۰۱). به نظر ایشان منظور از تحدی، صرفاً در حوزه روان بودن و رسایی و علوم مربوط به فصاحت و بلاغت محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل لفظ و معنا و همه صفاتی می‌شود که به این دو باز می‌گردند.

مشهور متکلمان و مفسران بر این نکته اتفاق نظر دارند که حداقل تحدی، به رعایت بلاغت و نظم و سبک منحصر به فرد قرآن است که فراتر از توان بشر است؛ از این‌رو گفته شده: «مفاد آیات تحدی، آن است که اگر در نزول این الفاظ و قالب‌های مشتمل بر این

معانی از سوی خدا تردید دارید، در مقام معارضه برای اثبات مدعای خود، الفاظ و عبارات دیگری مشابه این الفاظ و عبارات بیاورید» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸).
از عبارت «بِمَثَلِ هَذَا الْقُرْآنِ» استفاده می‌شود که ابعاد تحدی به قرآن، ابعادی است که تاکنون در قرآن نازل شده و در ۴۹ سوره ظهور یافته است. توجه به نزول پنجاه سوره از قرآن و اشاره‌های موردی به جنبه‌هایی از ویژگی‌های این کلام الهی می‌تواند ابعادی از جنبه‌های مورد تحدی قرآن را روشن کند. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این ابعاد را به دو قسمت سبک و ساختار زبانی و سبک و ساختار محتوا و مضمونی تقسیم کرد؛ بنابراین تحدی قرآن به معنای آوردن گفتاری همچون قرآن و جامع جنبه‌هایی است که در ادامه می‌آید.

سبک و ساختار زبانی

- گفتار مورد بحث (مانند قرآنی که می‌آورند) باید چنان در مخاطب نفوذ کند که نزدیک‌ترین تعبیر از آن در کلام مخالفانش، سحر بیان باشد (مدثر: ۲۴)؛ معارف و احکامش و دیگر محتویاتش چنان باشد که شنونده را در چنبره مباحث عمیق معرفتی اش گرفتار نکند؛ بلکه پنددهنده‌ای آسان و یادآوری‌کننده باشد که تنها دانش‌های مخاطب را به او یادآوری کند (قمر: ۲۲).

- ترکیب کلمات و آیات و تمامی مطالب و گفتارها، به گونه‌ای سامان یابد که با تدبیر در آنها، به حکمت نهفته در پس ظاهر آنها پی برده شود (ص: ۱۰)؛ از اوهام و دروغ‌پردازی‌های شاعرانه خالی باشد و البته شیرینی و گوارایی‌های شعری را داشته باشد؛ به گونه‌ای که برخی آن را به توهم، سخن شاعرانه بدانند (ر.ک: یس: ۶۹).

- کیفیت عبارت‌ها، خطاب‌ها و شخصیت گوینده سخن، نشان‌دهنده تسلط، قدرت و سلطنت عالی او بر همه کس و همه چیز باشد و انفعالی در گفتارش مشاهده نشود (طه: ۱ - ۶).

- خواندنی، رسا و قابل فهم باشد و بیان آن، تمایل به پارسایی و کنترل نفس را در مخاطب زنده کند (طه: ۳ - ۱۱)؛ به روشنی مراد خود را بگوید و از این جنبه، گرفتار

هم‌نوا و هم‌هدف خود را داشته باشد و آنها را تصدیق کند (فرقان: ۳۴)؛ هم جنبه بشارت و هم جنبه هشدار را در خود جمع کرده باشد و انذار و بشارت را متوجه پرهیزکاران و اهل لجاجت کرده باشد (مریم: ۹۷)؛ اخبار گذشتگان را نیز نقل کند (طه: ۹۹) و هرچه بر گفتارش افزوده شود، دانش‌های جدیدتری را در بر بگیرد (طه: ۱۱۴)؛ دوری از آن بر کیفیت زندگی تأثیر منفی بگذارد و وسعت و شادکامی را به شوربختی و تنگی و کوری باطن مبدل کند (طه: ۱۲۴)؛ حقایق مطالبش تنها با تخصص و علم کشف نشوند؛ بلکه راهیابی به آنها، به پاکی روح نیاز داشته باشد (واقعه: ۷۹)؛ فاصله‌اش با شیطان به روشنی از محتوای آن نمایان باشد (شعراء: ۲۲۱ - ۲۲۴) و ترکیبی از هدایت و بشارت به مؤمنان اهل ثنای خدا، اهل زکات و اهل یقین به آخرت باشد (نمل: ۱ - ۳)؛ محتویاتش، اختلافات اهل ادیان پیش از خود را به روشنی رفع کند (نمل: ۷۶) و همه داستان‌هایش درست، حق و برای مؤمنان سودمند باشد (قصص: ۱ - ۳)؛ در جنبه هدایت و الهی بودن، چیزی کمتر از تورات نداشته؛ بلکه فراتر از آن باشد؛ به گونه‌ای که اهل کتاب واقعی بر این مطلب اذعان کنند (قصص: ۴۸ - ۴۹ و ۵۷) و جنبه هدایت‌بخشی آن پابرجاتر و استوارتر از دیگر کتب الهی یا تجارب انسانی باشد (بنی‌اسرائیل: ۹)؛ احکامش دارای ریشه‌های عمیق عقلانی باشد (بنی‌اسرائیل: ۳۹) و خلاصه مطالب آن، اتکال بر غیرمالک مدبر هستی و انسان را رد کند (بنی‌اسرائیل: ۱ - ۹ و همچنین توجه به غرض سوره) و در پایان، فهمش با باورهای غلط، حاصل نشود (بنی‌اسرائیل: ۴۵ - ۴۸).

آوردن همانند قرآن، یعنی آوردن گفتاری که همه این ابعاد را در خود جای داده باشد. به هر حال این اختلاف باید در جای خود بررسی شود.

آیات تحدی در سیر نزول

پس از آنکه در سوره قصص (نزول ۴۹)، از تحدی به آوردن کتابی الهی همانند تورات و انجیل سخن رفت، آیات دیگر تحدی به ترتیب ذیل بر پیامبر ﷺ نازل شد:

سوره اسراء، (نزول ۵۰، آیه ۸۸): «قُلْ لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ

هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَأَن بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (بگو اگر انس و جن گرد آیند تا مانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند).

سوره یونس، (نزل ۵۱، آیه ۳۸): «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ فَآتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَن اسْتَطَعْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یا می‌گویند: آن را به دروغ ساخته است؟ بگو: اگر راست می‌گویید، سوره‌ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می‌توانید، فرا خوانید).

سوره هود، (نزل ۵۲، آیه ۱۳): «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ فَآتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَن اسْتَطَعْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یا می‌گویند: این [قرآن] را به دروغ ساخته است. بگو: اگر راست می‌گویید، ده سوره بر ساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید).

سوره طور، (نزل ۷۶، آیه ۳۴): «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (پس اگر راست می‌گویند، سخنی مانند آن بیاورند).

سوره بقره، (نزل ۸۷، آیه ۲۳): «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم، شک دارید، پس - اگر راست می‌گویید - سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - فرا خوانید).

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید در آیه اول، تحدی به مانند قرآن، آیه دوم، تحدی به یک سوره، آیه سوم، تحدی به ده سوره، آیه چهارم، تحدی به گفتاری همچون قرآن و در پایان تحدی به یک سوره صورت گرفته است.

دیدگاه‌هایی دربارهٔ مراحل تحدی

ترتیب نزول آیات قرآن روشن می‌کند که مراتب تبیین موارد تحدی به قرآن، ترتیب از کل به جزء و از حجم بیشتر به حجم کمتر را رعایت نکرده است و حتی تحدی به یک سوره - در سوره‌های هود و بقره - یا تمام قرآن - در سوره‌های اسراء و طور - در دو سوره نزدیک به هم نازل نشده‌اند؛ بلکه میان آنها تحدی به حجم‌های دیگر فاصله انداخته است. این‌گونه تحدی،

زمینه‌ساز این پرسش شد که راز این درخواست‌ها و تحدی‌های متفاوت چیست؟
 با توجه به نظرهای دانشمندان کلام و مفسرانی که ذیل آیات تحدی به تفسیر آنها
 پرداخته‌اند، در می‌یابیم که سه دیدگاه در تحلیل و توضیح مراحل تحدی وجود دارد:

الف) تحدی از دشوارتر به آسان‌تر بدون توجه به ترتیب نزول آیات تحدی
 قرآن از دشوارتر به آسان‌تر تحدی کرده تا اعجاز قرآن بهتر به کرسی بنشیند
 (ر.ک: جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳ / زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۱ - ۱۱۰ /
 زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۳ / رافعی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۰ / قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱،
 ص ۷۷ / فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۲۵۵ / مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰ - ۱۱۱).

جصاص یکی از اظهارکنندگان این دیدگاه می‌نویسد:

خدای متعال با تمام مخلوقاتش اعم از جن و انسان به عجز آنها از آوردن مثل
 قرآن هم‌اوردطلبی کرده است «بگو اگر جن و انس بخواهند مثل این قرآن بیاورند،
 نمی‌توانند مثل آن بیاورند؛ هرچند گروهی از آنها گروه دیگر را پشتیبانی کنند». پس
 چون ناتوانی آنها آشکار شد، به آنها فرمود: «پس به اندازه ده سوره افتزایی مثل قرآن
 بیاورید». و چون آنها از آوردن ده سوره ناتوان شدند، فرمود: «پس یک سوره مثل قرآن
 بیاورید». بنابراین با آنها به آوردن مثل کوچک‌ترین سوره از قرآن تحدی کرد. پس چون
 ناتوانی آنها آشکار شد و حجت بر آنها اقامه شد و از راه احتجاج رویگردان شدند و
 تصمیم بر جنگ گرفتند، خدای متعال، پیامبر ﷺ را به جنگ با آنها دستور داد
 (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳).

زمخشری نیز در تشریح تفاوت تحدی به ده سوره و یک سوره می‌نویسد: «ابتدا با
 ده سوره با آنها تحدی کرد و سپس به یک سوره، همان‌طور که استاد خط به شاگردش
 می‌گوید: ده خط همچون من بنویس و هنگامی که عجز او معلوم شد، به یک خط
 کاهش می‌دهد» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۳).

مشکل این دیدگاه، آن است که به ترتیب نزول آیات تحدی توجه نکرده است؛ در
 غیر این صورت نمی‌توان چنین ترتیب تحدی از کل قرآن به ده سوره و سپس یک
 سوره را به خدا نسبت داد. باید گفت صاحبان این دیدگاه می‌کوشند خود به مهندسی
 ترتیب و چینش آیات تحدی دست بزنند و از پیش خود آیات تحدی به کل را مقدم

بر آیات تحدی به ده سوره و سپس آیات تحدی به یک سوره را قرار دهند و با این حساب، میان پنج آیه مشهور تحدی، نظم منطقی برقرار کنند.

بر آنها لازم بود تا بر خلاف عبارتشان، این سیر تحدی را به خدا نسبت ندهند؛ بلکه به تفاوت این ادعا با سیر ترتیب نزول توجه دهند. صاحبان این نظریه، به کلیت قرآن - صرف نظر از نزول تدریجی آن - توجه کرده‌اند؛ از این رو خود، مهندس مراتب تحدی قرآن در قرآن شده و در نوبت بعد، این دیدگاه را به خدا نسبت داده‌اند.

ب) تحدی از سخت‌تر به آسان‌تر با توجه به ترتیب نزول

روشن شد که دیدگاه اول با مشکل نادیده انگاشتن ترتیب نزول سوره‌ها روبه‌رو بوده است. به تدریج و در سده‌های اخیر، توجه به نزول تدریجی و ترتیب نزول آیات مورد توجه قرار گرفت و متکلمان و مفسرانی کوشیدند ترتیب منطقی مراتب تحدی را با عنایت به ترتیب نزول آیات تحدی بررسی کنند.

صاحبان این دیدگاه، همان منطق حرکت از دشوارتر به آسان‌تر را پذیرفته‌اند؛ اما بی‌تعهد به ترتیب نزول آیات تحدی نبوده‌اند؛ از این رو تلاش کرده‌اند مشکلات این دیدگاه را به ترتیب ذیل برطرف کنند. دیدگاه یادشده را با محور قرار دادن نظرهای استاد مصباح یزدی بررسی می‌کنیم.

مراد از عبارت «بمثل هذا القرآن»

در آیه ۸۸ سوره اسراء (نزول ۵۰) از واژه «بمثل» استفاده شده است. به نظر اغلب مفسران، مرجع ضمیر، قرآن و مراد، تمام قرآن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۰۱/ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۹۲/ مکارم شیرازی، ج ۱۲، ص ۲۷۵/ ابن عاشور، [بی‌تا]، ج ۱۴، ص ۱۶۰/ طوسی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۵۱۷/ حقی بروسی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۲۰۰ - ۲۰۱/ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۱۰۶/ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۰، ص ۱۶۶/ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۰۸). اگر این برداشت حقیقی باشد، محل تأمل، بلکه منع است. همانندی در قرآن به معنای همانندی در حجم تمام قرآن نیست؛ زیرا بر اساس ترتیب نزول، این آیه در پنجاهمین

سوره مکی فرود آمده؛ یعنی زمانی که بیش از نیمی از سوره‌ها به‌ویژه سوره‌های طولانی، فرود نیامده‌اند. / استاد مصباح در این باره نوشته‌اند:

طبق نقل‌های تاریخی، آیه ۸۸ سوره اسراء، اولین آیه‌ای است که در مورد تحدی نازل شده و دلیلی بر علم شدن این واژه برای قرآن در زمان نزول این آیه در دست نیست. نمی‌توان گفت که مقصود از آن، کل قرآن است؛ به‌ویژه اگر این نکته را در نظر بگیریم که هنگام نزول این آیه، هنوز بخش مهمی از آیات قرآن نازل نشده بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۹).

خلاصه آنکه دقت در ترتیب نزول نشان می‌دهد که سیر از دشوارتر به آسان‌تر، به معنای آغاز تحدی از کل قرآن به ده سوره نبوده؛ بلکه به قدر مجموع آیات نازل شده تا زمان تحدی بوده است که همانندی با قرآن بر آن صدق کند.

ترتیب آیات تحدی به یک و ده سوره

یکی از مشکلات دیدگاه اول، ترتیب سوره‌های یونس و هود است. موافق همه جدول‌های ترتیب نزول، سوره یونس پیش از سوره هود نازل شده است (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۴، مقدمه، ص ۲۷). چگونه با وجود تقدم نزول سوره یونس - که در آن از تحدی به یک سوره سخن رفته) بر سوره هود، (که در آن به ده سوره تحدی شده) - تحدی از دشوارتر به آسان‌تر تصویر درستی می‌یابد؟ برای رفع این مشکل، چند راه‌حل ذیل گفته شده است:

۱. آیه تحدی به یک سوره را در سوره یونس، آیه الحاقی به سوره شمار آوریم، آیه‌ای که در هنگام نزول سوره، جزو سوره نبود؛ بلکه بعدها به عنوان آیه استثنایی به سوره ملحق شد. این گروه، نزول سوره هود و یونس را طبق روایات ترتیب نزول سوره‌ها پذیرفته و مدعی شده‌اند که استثنائاً، آیات مشتمل بر تحدی در این دو سوره، بر خلاف ترتیب نزول این دو سوره نازل شده یا پیامبر ﷺ به دستور خدا آنها را در مقام ابلاغ، بر خلاف ترتیب نزول، تلاوت کرده است.

۲. سوره یونس پیش از سوره هود نازل شده؛ ولی پیامبر ﷺ برای حفظ این ترتیب در آیات تحدی، موظف شده‌اند که ابتدا آیات سوره هود را بر مردم تلاوت کنند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، هر دو احتمال بالا، سخنانی بی‌دلیل است و گویندگان برای اصالت دادن به دیدگاهی در سیر تحدی - که درستی آن روشن نیست -

تخمین‌هایی بی‌سند و نادرست دربارهٔ ترتیب سوره‌ها یا الحاقی بودن آیات تحدی به سوره‌ها ابراز کرده‌اند.

۳. هیچ یک از آیات تحدی استثنایی نیست و ترتیب نزول سوره‌ها همان است که در روایات ترتیب نزول آمده؛ اما مراد از آوردن ده سوره را به گونه‌ای توجیه می‌کنیم که آوردن آن از آوردن یک سوره آسان‌تر باشد؛ برای نمونه برخی تحدی به یک سوره را مطلق و تحدی به ده سوره را ویژهٔ ده سورهٔ خاص دانسته‌اند.

خلاصهٔ نظر این گروه چنین است: خدای متعال، منکران را گاه به مثل قرآن، زمانی به ده سوره و در پایان به آوردن یک سوره همچون قرآن فراخوانده است؛ بدین معنا که نخست از آنها خواست حجمی به مقدار قرآن بیاورند و پس از آنکه ناتوانی آنان روشن شد، کوتاه آمد و آنها را به آوردن یک سوره که در همهٔ جهات لفظ و معنا مانند قرآن باشد، دعوت کرد و چون در این مقدار نیز ناتوان شدند، ایشان را به هم‌اوردی با حداقل یک سوره از راه آوردن ده سوره‌ای که در مجموع کمالات یک سوره از قرآن را داشته باشند، ترغیب کرد. با این توجیه، تحدی از دشوارتر به آسان‌تر صورت گرفته است.

۷۹

تیس

ب
ر
ق
ر
ا
ن
ب
ر
ق
ر
ا
ن
ب
ر
ق
ر
ا
ن

با توجه به معنایی که از عبارت «مثل قرآن» گفته شد و مراد، حجم چشمگیری از قرآن شمرده شد و با توجه به توجیهی که برای تقدم تحدی به یک سوره در سورهٔ یونس بر تحدی به ده سوره در سورهٔ هود بیان شد، آیت‌الله مصباح یزدی نظریهٔ خود دربارهٔ توجیه تحدی از دشوارتر به آسان‌تر را چنین بیان می‌کنند:

آیات تحدی در مرحلهٔ اول از بشر می‌خواهد که اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارند، کتابی همانند قرآن که دارای همهٔ امتیازات قرآن باشد، بیاورند و پس از آنکه عجزشان ثابت شد، تخفیف داده، می‌فرماید: یک سوره که از هر جهت، شبیه سوره‌های قرآنی باشد و همهٔ امتیازات یکی از سوره‌های قرآن را در بر داشته باشد، بیاورند و پس از آنکه از چنین امری نیز عاجز شدند، تخفیف داده، از ایشان می‌خواهد که ده سوره بسازند که هر کدام دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشند؛ به‌طوری‌که مجموع آن ده سوره بتواند ویژگی یک سورهٔ قرآن را دارا باشد. بدیهی است که ساختن یک سوره شبیه یک سوره از قرآن در همهٔ جهات، مشکل‌تر از فراهم آوردن چند سوره است که هر یک در یک جهت شبیه قرآن باشد؛ پس تحدی از دشوارتر به آسان‌تر صورت

گرفته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۱).

این مطلب که کسی قادر نیست نه تنها همانند حجم تمام قرآن یا بخش بزرگی از آن را بیاورد و کسی نمی‌تواند با آوردن یک سوره و نه ده سوره به مبارزه با یک سوره قرآن دست بزند، جای هیچ‌گونه تردیدی ندارد؛ ولی اثبات این مطلب که مراد قطعی آیات تحدی، همین باشد، جای درنگ است؛ زیرا آیات تحدی به سه آیه نازل شده در سوره‌های اسراء، یونس و هود محدود نیست؛ بلکه تحدی به تمام قرآن، در سوره طور و تحدی به یک سوره، در سوره بقره تکرار می‌شود. اگر تحدی از دشوارتر به آسان‌تر بوده باشد، چگونه پس از سوره هود، دوباره به تمام قرآن تحدی شده است. چه داعی برای تکرار تحدی به یک سوره که آوردنش دشوارتر از آوردن ده سوره شد- در سوره بقره که آخرین مورد از آیات تحدی است - وجود داشته است؟!

شاید از همین رو باشد که گروهی از اندیشوران بر این باورند که نظم یا ترتب، میان آیات تحدی برقرار نیست (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۳ / سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۶۱ - ۱۸۶۲ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۳ - ۴۵ / رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۱، صص ۱۹۲ و ۱۹۴ و ج ۱۱، صص ۳۶۹ و ۳۷۱ و ج ۱۲، ص ۳۱ - ۴۵ / طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۶۶ - ۱۶۷).

این گروه، مخالف نظم داشتن در نزول آیات تحدی هستند و علت گونه‌های مختلف تحدی را به مواردی همچون اعجاز مد نظر هر آیه یا اینکه راز اختلاف‌ها را در شرایط زمانی گوناگون و طعنه‌های ستیزه‌گران مرتبط می‌داند. طبرسی در ذیل آیه ۱۳ سوره هود به این پرسش که چرا تحدی گاهی به ده سوره بوده و گاهی به «حدیث مثله»، پاسخ می‌دهد که تحدی به مقداری صورت گرفته که در آن، اعجاز قرآن کریم در برابر کلمات منظوم عرب روشن شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۲۳). سید قطب می‌نویسد:

در تحدی، حالت نسبت به افترازنندگان به پیامبر ﷺ و زمان گفتار، در نظر گرفته شده است؛ چراکه قرآن با مخالفت‌های بسیار ستیزه‌گران روبه‌رو می‌شد؛ از این رو گاهی می‌گفت: مانند قرآن بیاورید، گاهی از آنان درخواست ده سوره یا یک سوره می‌کرد؛ بدون آنکه ترتیب زمانی خاصی مد نظر باشد؛ چراکه تحدی نسبت به هر جزء قرآن صورت گرفته است؛ چه همه قرآن چه ده سوره و یا یک سوره. پس تحدی نسبت به

نوع قرآن است و نه مقدار آن و عجز نیز نسبت به نوع قرآن است و نه مقدار آن و در این مسئله، کل قرآن و یا ده سوره و یک سوره مساوی هستند و این اختلاف در تحدی بر اساس اختلاف حالات و سخنان مخاطبان پیش از نزول آیات است.

بر سخنان وی نقدهایی وارد شده است؛ از جمله:

لازمه سخن سید قطب که می‌گوید «همه قرآن و بعضش و یک سوره از آن، یکسان هستند» آن است که همه سوره‌های قرآنی در بلاغت و فصاحت و دیگر جهاتی که به آن تحدی شده است را در یک پایه بدانیم که در نتیجه اگر کسی بر فرض محال به آوردن یک سوره موفق شد، به آوردن همه قرآن نیز موفق شود. لازمه دیگر آنکه در تحدی به کل قرآن و یا یک سوره از آن، یک مطلب اراده شده باشد و به مطالب فراسوره‌ای همچون تنوع خطاب سوره‌ها، اصولاً تحدی نشده باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۶۶ - ۱۶۷).

سخن سید قطب نشان‌دهنده اظهار عجز وی در بیان ترتیب تحدی است و دیگر اینکه مؤلف به ناآگاهی از شرایط زمانی نزول آیات تحدی اعتراف دارد؛ در نتیجه تنها بر اساس حدس و گمان، ترتیب آیات تحدی را انکار کرده است (قاضی زاده، ص ۱۱).

۸۱

قیس

در
میان
آیات
تحدی

ارزیابی دیدگاه‌ها

دو دیدگاه گذشته نتوانست سیر تحدی از دشوارتر به آسان‌تر را چنان تبیین کند که هماهنگ با سیر نزول آیات باشد و تلاش دیدگاه دوم در هماهنگ کردن میان دیدگاه خود با ترتیب نزول آیات تحدی، کامل نبود؛ بنابراین مفسران را به این نتیجه رساند که اصولاً ترتیب تحدی از دشوارتر به آسان‌تر، دلیل قرآنی ندارد.

درست نیست که با مهندسی خود به سراغ قرآن برویم و برای تأکید بر برداشت خود از سیر تحدی، همچون *فخر رازی* اعلام کنیم: «برای حفظ ترتیب نزولی تحدی باید سوره یونس پس از هود نازل شده باشد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۱۵۴).

ج) نظریه مختار: تحدی با توجه به نوع تردید

مهم‌ترین وظیفه پژوهشگران در آیات قرآن، تمرکز بر آیات نازل شده و تلاش در کشف

قراین داخلی و خارجی آیات نازل شده است. خدای حکیم و هادی برای جویندگان دانش در درون آیات و شیوه‌های نزول آیات، مواردی از دانش به معارف و احکام را نهفته که از راه واکاوی و درنگ می‌توان به آن دست یافت. در این نظر معتقدیم که هر آیه به سبب ماجرای خاص خودش نازل شده است.

دقت در عبارات آیات تحدی، این مطلب را به ذهن می‌دواند که آیات تحدی به ابعاد گوناگون تردیدی که در ذهن و گفتار مخالفان شکل می‌گرفت، توجه داشت. این تردیدها پنج جنبه داشت که خدای متعال در سیر نزول، آنها را ذکر و مردود اعلام کرد:

- توان غیرخدا بر تولید گفتاری همانند قرآن (در سوره اسراء)؛

- قابلیت متن قرآن برای تولید شدن به دست غیرخدا (سوره یونس)؛

- توان پیامبر ﷺ در تولید متنی با محتوای دروغین و نظم و سبکی جدید (سوره هود)؛

- انتساب دروغین قرآن به خدا (سوره طه)؛

- شک در نازل کننده قرآن (بقره).

تردیدهای پنج‌گانه یادشده زمینه شد تا به تدریج آیات تحدی در زمان مناسب پدید آمدن هر شبهه و تردید، نازل شود.

آیه ۸۸ سوره اسراء، نخستین مورد از آیات پنج‌گانه تحدی است. پیامبر ﷺ در این آیه مأمور می‌شود آشکارا بر الهی بودن قرآن و دخالت نداشتن هیچ موجود بشری و جنی در تولید متن تأکید کند. این اعلام همراه با تحدی به منکران است؛ آنها را تحریک می‌کند اگر در از جانب خدا بودن این کلام، تردید دارند، همه نیروهای بشری و جنی را جمع کنند و همانند قرآن بیاورند؛ به بیان دیگر خدای متعال با این آیه، مخالفان را توجیه می‌کند که هیچ کس غیر از خدا توان تولید این متن را ندارد و با این سخن، آنان را تحریک می‌کند که به مقابله و معارضه برخیزند. پس جنبه مهم در این آیه، نفی توان غیرخدا اعم از همه انسان‌ها و جنیان بر تولید گفتاری همانند قرآن است. در آیه ۳۸ سوره یونس، به واکنش مشرکان و معاندان توجه کرده که ادعا می‌کردند این متن از نظر محتوا و سبک و ساختار و نظم، قابل تولید شدن به دست غیرخداست. آنها به جای ورود به معارضه، متن قرآن را متنی غیرالهی می‌شمردند که از جنس کلام‌هایی است که قابلیت تولید شدن از سوی غیرخدا را دارد. براین اساس نیز مدعی بودند مطالب قرآن، ساخته

دست حضرت محمد ﷺ است؛ از این رو قرآن به شبهه افترا و دروغ بافی پیامبر اکرم ﷺ پاسخ داده و فرموده است: «اگر چنین ادعایی دارید، با کمک همه موجودات - به غیر از خدا - گفتاری کامل (یک سوره) همانند قرآن بیاورید».

سپس در آیه ۱۳ سوره هود، به پاسخ شبهه معارضان دیگر توجه داده است که پیامبر ﷺ می تواند قرآنی را در این محتوا و سبک، از پیش خود بسازد و به دروغ به خدای متعال نسبت دهد. در این شبهه توان پیامبر ﷺ به طور خاص درباره تولید این متن مورد توجه بوده است. اینکه وی می تواند متنی را تولید کند که در محتوا، مطالب دروغین و در سبک، به شیوه و ساختار قرآن باشد؛ در حالی که در دو شبهه پیشین، امکان تولید کلامی همچون قرآن از سوی انسان و جن یا ادعای وجود ویژگی های تولیدشده از سوی غیر خدا مطرح بوده است. خدای متعال بیان می دارد: «اگر تصور می کنند ساختن دروغی با این محتوا و سبک، امکان دارد. اینها تلاش کنند و از نظر محتوا مطالبی دروغ، اما از جهت سبک و نظم همانند قرآن بیاورند». در اینجا خداوند متعال، محدوده تحدی را آوردن دروغ هایی با رعایت سبک و نظم قرآن بیان می کند.

در آیات ۳۳ و ۳۴ سوره طور، به شبهه دروغ بافی پیامبر اکرم ﷺ از این جنبه توجه شده که علت این شبهه کردن ها، تشکیک در انتساب قرآن به خداست. گویا وضعیت اعتقادی مخالفان چنین اقتضا می کند که در نسبت دادن قرآن به خدا تشکیک کنند. به بیان دیگر، آنان به پروردگار ایمان ندارند؛ اما با ادبیاتی جانب دارانه از سوی خداوند سخن می گویند؛ از این رو از آنان خواسته می شود اگر راست می گویند و به خدا ایمان دارند، برای دفاع از خدا هم که شده، با تولید گفتاری همچون گفتار محمد ﷺ از خدا دفاع کنند و ادعای او مبنی بر الهی بودن متن را ابطال کنند. تفاوت این مطلب با آیه سوره هود در این است که در آنجا به شبهه تولید قرآن از سوی پیامبر ﷺ از این جهت پاسخ گفت که روشن کند، وی - العیاذ بالله - توان دارد مطالبی دروغ را در این سبک و نظم تولید کند و به خدا نسبت دهد؛ اما در این آیه، مدعیان و شبهه افکنان، مدعی نسبت دادن ناراست متن به خدا هستند؛ از این رو آنان را به دفاع از خدا فرا می خواند و از آنان می خواهد اگر راستگو هستند، به دفاع از خدا برخیزند و گفتاری همچون قرآن بیاورند تا روشن شود محمد ﷺ گفتارش را بی هیچ برهان و شاهی

به خدا نسبت داده و خدای متعال، چنین گفتاری را بر او فرو نفرستاده است. در پایان در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره به شبهه نزول قرآن از سوی خدا بر بشری همانند رسول خدا ﷺ پاسخ می‌دهد. ظاهراً به نظر اهل شک، خدا بر حضرت محمد ﷺ کتابی نفرستاده است. آیه در اینجا کاری به تولید قرآن از سوی غیرخدا یا قابلیت تولیدشدگی از سوی غیرخدا و یا امکان تولید شدن از سوی پیامبر ﷺ ندارد و از دفاع مستقیم در این باره صرف نظر کرده است و بحث تحدی را از این جنبه تعقیب کرده که شک‌کنندگان در اصل نزول قرآن بر بنده‌ای از بندگان خدا (در اینجا محمد ﷺ) تردید کرده‌اند؛ از این رو بدون توجه به ادعای صریح پیامبر ﷺ مبنی بر نزول قرآن بر او - رو به شک کنندگان - می‌فرماید: اگر درباره نزول قرآن از سوی ما بر بنده ما محمد ﷺ شک دارید و تصورات دیگری درباره نازل‌کننده سخن و القاکننده آن به پیامبر ﷺ دارید، سوره و گفتاری همانند قرآن بیاورید.

بنابراین مشاهده می‌شود که خدای حکیم به تدریج همه انواع تردیدهایی را که درباره قرآن وجود داشت، پاسخ گفت: «شبهه‌هایی درباره توان انسان و جنیان بر تولید گفتاری همچون قرآن» یا «قابلیت قرآن برای تولیدشدگی از سوی غیرخدا» یا «توان پیامبر ﷺ در تولید قرآن» یا «انتساب دروغین این متن تولیدشده به خدا» و در پایان اینکه «خدا این متن را نازل نکرده است».

حکمت نزول تدریجی آیات تحدی و تفاوت هم‌اوردطلبی‌ها چرا آیات تحدی با این ترتیب خاص بر پیامبر اکرم ﷺ فرو آمد؟ مراحل تحدی یادشده، در این پنج آیه چه نسبت و تناسبی با یکدیگر دارند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است به اهداف نزول هر سوره و سیاقی که آیه تحدی در آن قرار گرفته، توجه شود و با بررسی این دو مورد، به حکمت توزیع موارد تحدی و تقدم و تأخر آنها پاسخ گفت.

توان غیرخدا بر تولید گفتاری همانند قرآن
«قُلْ لئن اجتمعتِ الأنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَآ يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَكَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» (اسراء: ۸۸) (بگو: اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هرچند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند).

سوره اسراء (نزول ۵۰) در دوره‌ای نازل شد که بیشترین فشار مشرکان و معاندان بر پیامبر ﷺ وارد می‌شد. فشار به قدری سنگین بود و شمار مؤمنان آن‌چنان کم که مؤمنان اجازه بروز ایمان و رفتار ایمانی را در خانواده، قبیله و شهر مکه نداشتند. مؤمنان، تنها زمانی که آیات ۹۴ سوره حجر و ۵۴ سوره مکی نازل شد، اجازه یافتند به صورت یک گروه در مکه رفتار آشکار داشته باشند و این‌گونه شهر مکه به‌طور رسمی به دو قطب اجتماعی (گروه مؤمن و اجتماع مشرک) تقسیم شد.

سوره اسراء با این هدف نازل شد که جانب توکل بر خدا و نفی هرگونه اتکال بر غیرخدا در جامعه ایمانی مکه تقویت شود (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص ۲۲۶). در این مقطع از نزول قرآن، یکی از مباحث سوره، اشاره به برخی فشارها و توطئه‌های کافران مکه بود که برای به انفعال کشاندن پیامبر ﷺ انجام می‌دادند؛ فشارهایی که جز به مدد توکل بر خدا، تحمل‌پذیر نبود. خدای متعال در آیات «۷۳ - ۸۱» پیامبر ﷺ را از توطئه‌هایی که معاندان در سر می‌پروراندند، آگاه می‌کند و درباره تنبیه و برخورد با این گروه، آسوده‌خاطر می‌کند. سپس در آیات «۸۲ - ۸۸» به قرآن، نقش و اهدافش در زندگی مردم، عجز جن و انس از هم‌وردی با آن می‌پردازد و عموم مردم را به دلیل ناسپاسی این نعمت بزرگ، سرزنش می‌کند. در این آیات، روشن می‌کند که مخالفت با قرآن، در ضعف قدرت هدایتی و تربیتی قرآن ریشه ندارد؛ این کتاب، کتاب شفا و رحمت است. بله، باورها و انگیزه‌ها موجب شده همین معارف و دستورهای شفابخش و رحمت الهی برای برخی نقش تخریبی داشته باشد و موجب فزونی خسارت شود (همان، ص ۲۲۶ - ۲۲۹).

در این اوضاع که فشار مشرکان بر نادیده گرفتن قرآن متمرکز شده بود و کوشیدند پیامبر ﷺ را منفعل کنند، خدای متعال به تقویت جانب اعتماد به خدا، پرداخته است. برای تقویت این جانب، پیامبر ﷺ را مأمور می‌کند بی‌دغدغه اعلام کند اگر همه جن و انس دست به دست هم دهند تا همانند این قرآن را بیاورند، از آوردن همچون آن ناتوان خواهند بود. این تعبیر در این اوضاع، بیشترین تأثیر را در تقویت روحیه پیامبر ﷺ و تضعیف جانب معاندان دارد. پیامبر ﷺ در این آیه مأمور می‌شود به‌طور مستقیم و پیش از هرگونه تشکیک معاندان در متن قرآن، ناتوانی غیرخدا از آوردن مانند قرآن را به کافران

اعلام کند. تحدی و مبارزطلبی ابتدایی و از جانب پیامبر ﷺ آغاز شده، تا بر اعتماد و توکل پیامبر ﷺ و مؤمنان بیفزاید و عجز و ناتوانی معاندان را به رُخ آنان بکشانند. در اینجا روشن کنیم که مراد از مثل - همان گونه که گذشت - تولید متنی همانند قرآن در کمالات ساختاری و محتوایی است (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۲۰۱ / ابن عاشور، [بی تا]، ج ۱۴، ص ۱۶۰) و حجم خاصی را مورد نظر قرار نداده است؛ از این رو به جنس قرآن نظر دارد و با حجم یک سوره، ده سوره یا حتی تمام قرآن سازگاری دارد.

قابلیت قرآن برای تولید شدن به دست غیر خدا

«وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا كُنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّابٌ كَذَّابٌ الَّذِينَ مِنَ الْقَبْرِ يَنْظُرُ كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (یونس: ۳۷ - ۳۹) (و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد؛ بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است، می باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست [و] از پروردگار جهانیان است * یا می گویند: آن را به دروغ ساخته است؟ بگو: اگر راست می گویند، سوره ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می توانید، فرا خوانید * بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است. کسانی [هم] که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبران را] تکذیب کردند؛ پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است).

سوره یونس (مکی / ۵۱) در مرحله اول دعوت پیامبر ﷺ، یعنی در اوضاعی نازل شد که دعوت پیامبر ﷺ آشکار، ولی گروه مؤمنان، پنهان بودند. این سوره با هدف دفع تردید عموم مردم درباره رسالت پیامبر اسلام ﷺ و الهی بودن قرآن و پاسخ اتهام ساحر شمردن پیامبر ﷺ از سوی کافران، فرود آمد. آیه ۳۸ سوره یونس در بخشی از سوره (آیات ۳۷ - ۵۶) قرار گرفته که در آن به اتهامات کافران درباره قرآن و رسالت پاسخ گفته شده است. خدای متعال در این بخش، به تهمت های کافران به پیامبر ﷺ درباره افسونگری پاسخ

گفته و به دفاع از او در این مورد، پرداخته است. همچنین روش مقابله با افترای کافران در باب قرآن و رسالت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به وی آموخته است. از آنجاکه موضوع محوری سوره، رفع تعجب مردم از نزول وحی تشریحی بر انسان و دفع تهمت‌های کافران از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۲۳۱) و از آنجاکه کافران به بهانه جذابیت قرآن، به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت افسونگری می‌دادند، در این قسمت از سوره، خدای متعال به دفاع از کرامت قرآن پرداخته و صفاتی را که در قرآن هست، نشانگر الهی بودنش شمرده است و روشن می‌کند که جنس قرآن، قابلیت تولیدشدگی از سوی غیرخدا را ندارد و اگر آنها با این ادعا مخالفانند، سوره‌هایی همانند قرآن بیاورند.

ظاهر آیه روشن می‌کند که دلیل نازل شدن آیه دوم، تحدی به قرآن، مقابله با تهمت کافران درباره تولید دروغین قرآن از سوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خدای متعال ابتدا در آیه ۳۷ روشن می‌کند جنس قرآن اقتضا می‌دارد از سوی غیرخدا تولید نشده باشد. در این باره محتوای قرآن که کتب آسمانی گذشته را تصدیق می‌کند و اراده‌های خدا را به تفصیل آشکار می‌کند، سپس دلیل ناتوانی غیرخدا بر تولید این متن را بر می‌شمرد. مراد از کتاب در «تَفْصِيلَ الْكِتَابِ»، می‌تواند اشاره به مکتوبی نزد فرشتگان باشد که در آن، مجموعه‌ای از اوامر و اراده‌های خدای متعال ثبت شده است. بر این پایه، «تفصیل کتاب» اشاره به شرح و گسترش همان کتاب است؛ بدین معنا که خدای متعال هنگام نزول مطالب کتاب، آن را در حد فهم مردم پایین آورده و برای فهم مرادهای الهی، شرح و گسترش داده است؛ لذا برخی از مفسران آن، تفصیل کتاب را تفصیل عقاید ثابت و حقه شریعت و احکام و تکالیف و عبرت‌ها تفسیر کرده‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۵۸ / طبری، ج ۱۱، ص ۸۲، ذیل آیه ۳۷). اما اگر «تَفْصِيلَ» را متوجه کتاب‌هایی بدانیم که قرآن، آنها را تصدیق می‌کند، تفصیل قرآن برای کتاب‌های گذشته، به معنای بیان اجمال و تعیین ناسخ برای آنچه دوامش مصلحتی ندارد و دفع متشابهاات گمراه‌کننده این کتاب‌هاست. با توجه به سیاق آیه، احتمال دوم قوی‌تر است.

در ادامه، معاندانی که ادعا می‌کردند قرآن، تولید فردی همچون حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است را به مبارزه دعوت می‌کند و می‌فرماید: با همدستی هر کس می‌توانید، سوره‌های همانند قرآن بیاورید. «سُورَةَ» از «سُورَةُ الْمَدِينَةِ» به معنای دیوار گرداگرد شهر است که آن را در خود گرفته

است. به بخش‌هایی از قرآن نیز که هر کدام ابتدا و انتهای دارد و غرضی کلی، آیاتش را گرد هم جمع کرده، به همین مناسبت، سوره گفته می‌شود. کوچک‌ترین سوره قرآن، سه آیه دارد. مقابله با قرآن، به سوره‌ای با این میزان کفایت می‌کند. هر سوره همچون گفتار سخنرانان، از محتوا در کنار اسلوب، نظم، رعایت نکات فصاحت، بلاغت و بدیع، ترکیب شده است و از آنجاکه این کمالات در یک گفتار کامل نمایان می‌شود، قرآن تشکیک‌کنندگان را به آوردن گفتاری جامع و دارای غرض واحد، مانند سوره‌های قرآن فراخوانده است. سوره در اصطلاح رایج دانشمندان علوم قرآن، مجموعه‌ای از آیات است که - جز در سوره براءت - با «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» از یکدیگر تفکیک شده‌اند. این اصطلاح در باب تعیین سوره‌های مکی و مدنی، ترتیب نزول سوره‌ها، فضیلت سوره‌ها، اسباب نزول آنها، تقسیم سوره‌ها به طوال و مئین و مثنای و مفصلات و بسیاری موارد دیگر جریان دارد. برخی نیز به استناد برخی آیات قرآن که در آنها لفظ سوره به کار رفته، برداشت کرده‌اند که مراد، مجموعه‌ای از آیات است که هدف و غرضی واحد دارند؛ هر چند با «بسمله» از هم جدا نشده باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۴ - ۴۵ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، صص ۶۵ - ۶۶ و ۱۶۶ - ۱۶۷). مراد از سوره، واحدی بیشتر از آیه و کمتر از سوره مصطلح و شامل هر گونه کلام مرتبط و منسجم است؛ هر چند جزئی از سوره بزرگ‌تر باشد. این مطلب که مراد از سوره در پنج آیه (سوره‌های نور: ۱، محمد: ۲ و توبه: ۶۴، ۸۶ و ۱۲۴)، سوره به معنای کاربرد مشهور است یا شامل حجم‌های کمتر از آن نیز می‌شود، بحث سودمندی است؛ ولی روشن است که در موضوع بحث این مقاله که به بررسی و تحلیل سیر تنزیلی آیات تحدی پرداخته است، تأثیری ندارد.

حاصل آنکه مشاهده می‌شود در اینجا مسئله‌ای که معاندان مطرح کردند، قابلیت قرآن برای تولید شدن از سوی بشر است و حضرت محمد ﷺ را مصداقی بر انجام این تولید شمرده‌اند. خدای متعال به آنان پاسخ می‌دهد اگر تولید چنین متنی، کاری در حوصله بشر است، شما تمام توان خود و غیر خود را به کار بگیرید تا متنی چون یک سوره آن - نه بیشتر - بیاورید. ملاحظه می‌کنید که دعوت به تحدی با این حجم و ادبیات، کاملاً با فضای تهمت و شبهه معاندان هماهنگ است. آنان ادعا می‌کردند قرآن قابلیت تولید شدن به دست غیر خدا را دارد و خدای متعال برای تحقیر این ادعا - در دو جهت - مبارزه را به سود معاندان تسهیل می‌کند: در جهت مقدر تولید که به جای آوردن حجمی برابر قرآن، تنها به

یک سوره بسنده می‌شود و در ناحیه تولیدکننده تمام غیرخدا، شامل جن و انس و ملک را رخصت دخالت می‌دهد. روشن است که تقلیل حجم تحدی به یک سوره، کاملاً طبیعی است؛ زیرا آنها درباره جنس و طبیعت قرآن و قابلیت آن برای تولید انسانی شبهه می‌کردند و بدیهی بود که خدای متعال برای پاسخ این امر، لازم بود آنان را به آوردن کمترین گفتار کامل قرآنی (حتی سه آیه در سوره کوثر) دعوت کند.

توان پیامبر ﷺ در تولید متنی با محتوای دروغین و نظم و سبکی جدید

«فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْ لَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِ كَنْزًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ * أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَبَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَنْزَلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنْ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (هود: ۱۲-۱۴) (و مبدا تو برخی از آنچه را که به سویت وحی می‌شود، ترک گویی و سینهات بدان تنگ گردد که می‌گویند: چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامده است؟ تو فقط هشداردهنده‌ای و خدا بر هر چیزی نگهبان است * یا می‌گویند: این [قرآن] را به‌دروغ ساخته است. بگو: اگر راست می‌گویند، ده سوره برساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید * پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که آنچه نازل شده، به علم خداست و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می‌نهدید؟).

در سوره هود (ترتیب نزول ۵۲) خدای متعال به تشریح بی‌منطقی کافران در مخالفت‌هایی که با مضامین عالیۀ قرآن و رسالت رسول خدا ﷺ داشتند، توجه می‌دهد و پیامبر ﷺ را برای چگونگی رویارویی با مخالفت‌های مشرکان معاند توجیه می‌کند.

در این سوره نیز موضوع تحدی پیگیری می‌شود. آیه تحدی در بخشی از سوره قرار گرفته که خدای متعال به مکر کافران، برای خاموش کردن پیامبر ﷺ در ابلاغ بخش‌هایی از وحی الهی، اشاره می‌کند. خدای متعال در این بخش، پیامبر ﷺ را درباره تأثیر نگرفتن از مکر کافران مکی و به مبارزه طلبیدن آنان از طریق تقاضای آوردن ده سوره افتراپی همچون قرآن مأمور می‌کند. از سیاق آیات بر می‌آید یکی از راه‌های خاموش کردن پیامبر ﷺ تهمت زدن به وی درباره قرآن بود. آنها اعلام کرده بودند پیامبر ﷺ این

گفته‌های دروغین را از پیش خود ساخته و سپس به خدای متعال نسبت می‌دهد؛ یعنی متن قرآن، دروغ‌بافی باشد و فردی همچون حضرت محمد ﷺ توان تولید چنین افتراپی و انتساب آن به خدا را داشته باشد. خدای متعال در اینجا پیامبر ﷺ را برای مبارزه‌طلبی با معاندان یادشده توجیه می‌کند و از او می‌خواهد به آنها اعلام کند اگر می‌توان متنی با این درونمایه و واژگان را ساخت و به خدا نسبت داد، دست به کار شوید و ده گفتار دروغ همچون این دروغ، تولید کنید، به خدا نسبت دهید.

به‌ظاهر، ده سوره در اینجا به منظور بیان کثرت است و اصراری بر ده به عنوان عدد معهود ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۶۷ - ۱۶۸ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۴ - ۴۵). چون دروغ، تهی از حقیقت است و به‌طور طبیعی به اختیار گوینده و اراده‌های او بستگی دارد، در اینجا خدای متعال صرف نظر از درونمایه قرآن، از معاندان می‌خواهد چندین گفتار دروغ بیافند و در قالب سبکی مانند قرآن به هم پیوند دهند. همچنین این گفتارهای دروغ را در نظمی همچون ده سوره قرآن بیاورند؛ به‌گونه‌ای که میان ده گفتار اختلاف یا سستی در فصاحت و بلاغت و ناراستی‌های بدیعی و مانند آن بروز نکند و هیچ دروغی، دروغ دیگری را تکذیب نکند و هماهنگی و تأیید آنها از یکدیگر همچون تأیید و هماهنگی مضامین قرآن از یکدیگر باشد. البته قرآن در طول ۵۲ سوره نازل شده، هیچ‌گونه خللی از این نظر ندارد؛ ولی شما لازم نیست تا این حجم از رعایت سبک و نظم و روانی و رسایی و تأیید گفتارها از هم را رعایت کنید. شما تنها در ده سوره، این مهم را عملی کنید. سپس به آنان اختیار می‌دهد که از هر موجودی غیرخدا، در تولید متنی دروغین، ولی همانند سبک و نظم قرآن استفاده کنند.

به میان کشاندن حجم ده سوره، پس از آن است که در دروغ شمردن مضامین با معاندان تسالم کرده و بیان کرده: از ادعای شما درباره دروغ شمردن محتوا، صرف نظر می‌کنم و اگر محتوای قرآن، سراسر دروغ و بافته پیامبر ﷺ است، شما نیز بیاید دروغ‌بافی کنید؛ اما آنها را در ده گفتار با سبکی ساختاری و صوری مانند قرآن عرضه کنید و نتیجه بگیرید که آیا می‌شود این دروغ‌ها را با رعایت نظم و سبک و هم‌پوشانی و هماهنگی واژگان و عبارت‌ها همچون قرآن رعایت کنید؟ شاید تولید گفتاری دروغ، کار آسانی باشد؛ ولی تداوم دروغ‌گویی با رعایت سبک و نظم و هماهنگی، کاری بسیار دشوار و بلکه نشدنی است؛ از این رو خدای

متعال از تعیین حجم یک گفتار در سوره یونس (نزول / ۵۱) به ده یا حجم بالای گفتار دروغ در سوره هود (نزول / ۵۲) ارتقا داد؛ به عبارتی سخن در سوره یونس، تحدی در لفظ و معنا و در سوره هود، تحدی در لفظ و عبارت است.

انتساب دروغ قرآن به خدا

«أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهِادًا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ* أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَّا يُؤْمِنُونَ* فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور: ۳۲ - ۳۴) (آیا پندارهایشان، آنان را به این [موضع گیری] وا می دارد یا [نه]، آنها مردمی سرکشند؟* یا می گویند: آن را برافته؛ [نه]، بلکه باور ندارند* پس اگر راست می گویند، سخنی همانند آن بیاورند).

هدف سوره طور، حمایت و تسلیت خاطر و توجیه پیامبر ﷺ برای عبور از سیل تهمت ها و توهین ها و آزاری است که ستمگران قریش به مناسبت بیان مطالب وحی الهی نازل شده در قرآن، متوجه وی می کردند.

۹۱

بیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِأَنبَاءِ الْغَيْبِ
وَمَا يَشَاءُونَ إِلَّا
رِزْقَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

آیه مربوط به تحدی در سوره طور، در بخشی از سوره (آیات ۲۹ - ۴۹) آمده است که خدای متعال در آن، پیامبر ﷺ را تسلیت خاطر داده و آن حضرت را در چگونگی رویارویی با اتهامات مکذبان توجیه می کند. این بخش با درآمدی درباره تداوم دعوت مردم از سوی پیامبر ﷺ آغاز می شود، در ادامه به انواع اهانت ها و آزارهایی که مکذبان به مناسبت قرآن، نثار پیامبر ﷺ کرده بودند، اشاره می کند. ضمن مردود شمردن آنها، به پیامبر ﷺ دستور می دهد به آنان بگوید: من همراه شما منتظر سرانجام خود خواهم بود. به ویژه در این بخش، افرادی را که قرآن را بافته حضرت محمد ﷺ می دانستند، به تحدی دعوت می کند و از آنان می خواهد ایشان نیز گفتاری همچون قرآن بیاورند.

«تقول» نسبت دادن کلام به دیگری است؛ گفته باشد یا نگفته باشد (ابن عاشور، [بی تا]، ج ۲۷، ص ۷۶). این واژه از باب تفعیل است که اختیار و اظهار عمدی چیزی نهفته در آن است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۳۴۰)؛ یعنی معاندان می گفتند پیامبر ﷺ، قرآن را که خود تولید کرده، به طور عمدی و دروغین به گونه ای اظهار می کند که گویا متسبب به خداست. بنابراین اصل اشکال در این آیه، به نسبت دادن متن قرآن به خدا باز می گردد.

پاسخ به ادعای انتساب دروغین قرآن به خدا، مورد توجه است این آیات و خدای متعال، محور تحدی را آوردن گفتاری همچون قرآن قرار می‌دهد؛ هرچه باشد و از هر کجا که بوده باشد. معاندان، هر گفتاری - حتی متن کتب آسمانی گذشته را که از ناحیه خداست - برای معارضه با قرآن بیاورند تا روشن شود هیچ متنی، حتی متن‌های الهی دیگر از نظر ساختار و نظم و هم‌پوشانی تفسیری به پای قرآن نمی‌رسد و هیچ کس دیگری توانایی تولید گفتاری همچون قرآن را ندارد. قرآن ویژگی‌هایی دارد که حتی در کتاب‌های آسمانی دیگر وجود ندارد.

احتمال دارد یاد نکردن از حجم مشخصی از گفتار در این مورد از تحدی، بازگشت به ادعایی باشد که معاندان درباره اصل انتساب به خدا داشتند؛ بنابراین ناتوانی در آوردن گفتاری همچون قرآن - به هر مقدار باشد - کفایت می‌کند.

شک در نازل کننده قرآن

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۲۳) (و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید، پس - اگر راست می‌گویید - سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود - غیر خدا - را فرا خوانید).
 واپسین مورد تحدی قرآن، در نخستین سوره نازل شده در مدینه (سوره بقره) قرار دارد. تعیین شاخصه‌های ایمان در اوضاع جدید حضور مسلمانان در مدینه و برخورد با آفت‌ها و آسیب‌های برآمده از گزینش و انتخاب دلخواه احکام الهی تشریح شده، هدف سوره بود. در این سوره، پرهیزکاران را که با شش ویژگی، پایه‌گذار جامعه مدنی صدر اسلام در یثرب شدند، با برخی از مهم‌ترین احکام آشنا کرد و ضمن آسیب‌شناسی از رفتار دینداران گذشته از جمله ابلیس و اهل کتاب، برای پایداری بر کلیت و هویت واحد دینی و اسلامی راهنمایی کرد و آنها را به هرگونه شکستن پیمان ایمان و تفکیک میان احکام و برخورد گزینشی با آنها هشدار داد.

آیه مورد تحدی در بخش اول سوره قرار دارد؛ در این بخش به هدف سوره اشاره شده و آن را هدایت پرهیزکاران می‌شمرد. در مقابل از دو گروه دیگر که زیر بار دعوت

اسلامی نمی‌روند، سخن می‌گویند و با دعوت عموم مردم به بندگی خدا، از شکستن عهد و میثاق‌های الهی باز می‌دارد و نقض‌کنندگان را معرفی می‌کند. سپس در مقایسه‌ای حکیمانه، مؤمنان شایسته را به نعمت‌های بهشتی بشارت می‌دهد و پیمان‌شکنان را کافر به خدا معرفی می‌کند. در همین جا ضمن دعوت عموم مردم به بندگی پروردگار، برای رفع هرگونه عذری برای تعبد در برابر خدا، به آنان یادآور می‌شود که اگر در الهی بودن آنچه بر بنده خود (محمد ﷺ) نازل کرده‌ایم، شک دارید، سوره‌هایی مانند آن بیاورید.

ضمیر در «من مثله» یا به «ما» باز می‌گردد که مراد، قرآن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۵۷ / فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۴۹) یا به «عبدنا» که مراد، پیامبرص است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۸). بنا بر احتمال اول، مراد، تحدی به سوره قرآن است و بنا بر احتمال دوم، تحدی به آوردن سوره قرآن، از فردی درس ناخوانده همچون پیامبر اسلام ﷺ است.

آیه تحدی در سیاقی نازل شده که مردم را به بندگی خدا دعوت کند. احتمالاً یکی از موانعی که بر سر راه پذیرش دعوت مطرح بود، تردید در الهی بودن قرآن بود. آیا کلامی که پیامبرص بر مردم می‌خواند و آن را کلامی الهی می‌شمرد، واقعاً از سوی خدا بر او نازل شده یا عوامل دیگری مانند جن یا افراد ناشناخته دیگر در این نزول دخالت کرده‌اند؟ خدای متعال یکی از ساده‌ترین راه‌ها را تلاش اهل شک در آوردن گفتاری (سوره‌ای) همچون قرآن پیشنهاد کرده است. ناخوانا و نانویسا بودن پیامبر ﷺ و مشارکت دادن همه افراد توانا - از همه موجودات غیرخدا - عظمت این تحدی را بیشتر نمایان می‌کند.

به‌رحال آیه به‌خوبی علت تحدی به یک سوره را روشن می‌کند. در این تحدی، بیان می‌کند برای رفع شک در الهی بودن قرآن باید به کمترین واحد نزول، یعنی یک گفتار، تحدی شود؛ زیرا ممکن است ادعا شود بعید نیست که بخشی از سوره‌ها کار خدا و بخش دیگر کار خود حضرت یا موجودات ناشناخته باشد؛ هرچند خود پیامبر ﷺ بر این امر آگاه نباشد. تحدی به یک گفتار (سوره) که دارای سازمان و هدف و نظام باشد، برای زدودن این تردیدها لازم است؛ زیرا روشن است کسی که نتواند برخی از گفتارها را تولید کند، به‌طورطبیعی از تولید تمام آن ناتوان‌تر خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دربارهٔ اعجاز قرآن و تحدی، بحث‌های گوناگونی مطرح است؛ از جمله مباحث مهم در این زمینه، مراحل و ترتیب آیات تحدی است که کلامیان و مفسران، نظرهایی را مطرح کرده‌اند. بیشتر ایشان معتقدند نظمی میان این آیات برقرار است که می‌توان به سیر از کلی به جزئی اشاره کرد. گروه دیگر به نظم میان آیات تحدی قائل نیستند و می‌توان چنین گفت که آیات تحدی، در مرحلهٔ نخست، پاسخ به امکان تولید قرآن از سوی غیرخدا بود. در مرحلهٔ دوم، پاسخ به قدرت رسول خدا ﷺ در تولید متن بود و در مرحلهٔ بعد، با تولید محتوا و متن دروغین و انتساب آن به خدا مرتبط بود. در چهارمین مرحله، به پاسخ به ادعای دفاع مؤمنانهٔ منکران قرآن از خدا اشاره کرد و مرحلهٔ پنجم به امکان نزول قرآن از سوی خدا بر محمد ﷺ اختصاص داشت.

منابع و مأخذ

* قرآن كريم

١. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاييس اللغة؛ محقق: محمد هارون عبدالسلام؛ قم: مكتب الاعلام الاسلامي، [بي تا].
٢. اندلسي، ابوحيان محمد بن يوسف؛ البحر المحيط في التفسير؛ بيروت: دار الفكر، ١٤٢٠ق.
٣. بهجت پور، عبدالكريم؛ شناخت نامه تنزيلي سوره هاي قرآن كريم؛ قم: تمهيد، ١٣٩٤.
٤. بيهقي، ابى بكر احمد بن الحسين؛ دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة؛ محقق: عبدالمعطي قلججي؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٥. جصاص؛ احكام القرآن؛ محقق: محمد صادق قمحاوي، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
٦. جوهرى، اسماعيل بن حماد؛ الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)؛ محقق: احمد عبدالغفور عطار؛ بيروت: دارالعلم للملادين، [بي تا].
٧. حسيني تهراني، هاشم؛ توضيح المراد؛ ج ٣، تهران: انتشارات مفيد، ١٣٦٥.
٨. حقى بروسوى، اسماعيل؛ تفسير روح البيان؛ بيروت: دار الفكر، [بي تا].
٩. خويى، سيد ابوالقاسم؛ البيان فى تفسير القرآن؛ قم: مؤسسة احياء آثار الامام الخويى، [بي تا].
١٠. زرکشى، محمد بن عبدالله؛ البرهان فى علوم القرآن؛ بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
١١. زمخشري، محمود؛ الكشف عن حقائق غوامض التنزيل؛ ط ٣، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ق.
١٢. سيوطى، جلال الدين؛ كفاية الطالب اللبيب فى خصائص الحبيب؛ هند: دارالكتاب العربي، ١٣٢٠ق.
١٣. سيوطى؛ جلال الدين، الاتقان فى علوم القرآن؛ ج ٢، بيروت: دارالكتب العربي، ١٤٢١ق.
١٤. شازلى، سيد بن قطب بن ابراهيم؛ فى ظلال القرآن؛ ج ١٧، بيروت: دارالشروق، ١٤١٢ق.
١٥. صادق الرافعى، مصطفى؛ اعجاز القرآن و بلاغته النبويه؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢١ق.
١٦. طباطبايى، سيد محمد حسين؛ الميزان فى تفسير القرآن؛ ج ٥، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعة مدرسين حوزه علميه، ١٤١٧ق.
١٧. طبرسى، فضل بن حسن؛ مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ ج ٣، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢.
١٨. طبرسى؛ اعلام الورى باعلام الهدى؛ تهران: اسلامى، ١٣٩٠ق.
١٩. طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير؛ جامع البيان فى تفسير القرآن؛ بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٢ق.

۲۰. طوسی؛ محمدبن حسن؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی؛ [بی تا].
۲۱. عرفان، حسن؛ **اعجاز در قرآن کریم**؛ تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۲. فخرالدین رازی؛ **مفاتیح الغیب** (التفسیر الکبیر)؛ ط ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ **العین**؛ ج ۲، قم: نشر هجرت، [بی تا].
۲۴. قاضی زاده، کاظم؛ «بررسی سیر نزولی تحدی در آیات قرآن»؛ نشریه پژوهش های قرآنی، ش ۳.
۲۵. قرطبی، محمدبن احمد؛ **الجامع الاحکام القرآن**؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۲۶. قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا؛ **تفسیر کنز الدقائق وبحر الغرائب**؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۷. مجلسی؛ **احتجاجات**؛ تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۹.
۲۸. محقق سبزواری؛ **اسرار الحکم**؛ قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۳.
۲۹. محمدبن رشید رضا؛ **تفسیر القرآن الحکیم** (تفسیر المنار)؛ قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰م.
۳۰. محمدبن عاشور؛ **التحریر والتنویر**؛ [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۳۱. محمدی، علی؛ **شرح کشف المراد**؛ ج ۴، قم: دارالفکر، ۱۳۷۸.
۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی؛ **قرآن شناسی**؛ ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
۳۳. مصطفوی، حسن؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۳۴. مطهری، مرتضی؛ **مجموعه آثار شهید مطهری**؛ تهران: انتشارات صدرا، [بی تا].
۳۵. معرفت، محمد هادی؛ **التمهید فی علوم القرآن**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۳۷. مودب، سید رضا؛ **اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم السلام و بیست نفر دیگر از علمای بزرگ اسلام**؛ قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۹.
۳۸. نجفی خمینی، محمد جواد؛ **تفسیر آسان**؛ تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۸ق.